

شماره ۸۶

جزوه مطالعاتی

قرارگاه شهید باقری

چگونه یک بسیجی باشیم

نگاهی نوبه سبک زندگی دانشجوی بسیجی





چگونه یک بسیجی باشیم

نگاهی نو به سبک زندگی دانشجوی بسیجی

مقدمه

چیزه حاضر حاصل هفت سال فعالیت نگارنده در عرصه های مختلف بسیج دانشجویی و چکیده ای از توصیه های حضرت آقا و علمای اخلاق به جوانان، علی الخصوص دانشجویان بسیجی می باشد. در ابتدا اشاره ای می شود به وظایف بسیج دانشجویی و دانشجوی بسیجی و سپس با توجه به این نکته که انجام درست و به موقع وظایف مستلزم خودسازیست، یک زنجیره منطقی از مباحثی که بستر ساز خودسازی است مطرح می شود. آن زنجیره منطقی بدین شکل است که:

نبرد حق به پرچم داری ایران اسلامی و باطل به پرچم داری آمریکا و صهیونیست وارد فاز خطرناک تر نرم شده است و حضرت آقا دانشجویان بسیجی را افسران جوان این جنگ نرم خطاب کرده اند؛ یعنی بنده و شما. لذا اگر می خواهید در جنگ نرم پیروز میدان باشید، یکی از واجب ترین کارها تربیت نیروی بیشتر برای ورود به عرصه نبرد است؛ اگر می خواهید تربیت نیرویی مطلوب از لحاظ کمیت و کیفیت داشته باشید، پیش از آن باید خود را ساخته باشید، چرا که به قول حضرت امام (ره): اگر خود را نسازید نمی توانید دیگران را بسازید؛ اگر می خواهید در خودسازی موفق باشید، باید سبک زندگیتان را اسلامی کنید؛ اگر می خواهید سبک زندگیتان اسلامی شود باید خوابتان را مدیریت کنید؛ اگر می خواهید خوابتان را مدیریت کنید باید خوراکتان را مدیریت کنید و اگر می خواهید خواب، خوراک و سبک زندگیتان را مدیریت کنید باید زمانتان را مدیریت کنید؛ و اگر می خواهید بدانید چگونه، با ما همراه باشید، ان شاءالله خدا به ما توفیق بدهد تا بتوانیم مختصری مفید را به شما ارائه دهیم.

وظایف اصلی یک بچه بسیجی

حضرت آقا در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در خصوص اولویت‌های بسیج می‌فرمایند:

«امروز اولویتهای بسیج چیست؟ در درجه‌ی اول تقوا و طهارت؛ تقوا و طهارت. همه‌ی کسانی که اهل معنا بودند -بزرگان اهل معنا- که ما گاهی خدمت بعضی از اینها رسیدیم، توصیه‌شان این بود که گناه نکنید. بعضی‌ها می‌گویند آقا چه ذکرى را بخوانیم که مثلاً فرض کنید خیلی خوب باشد و به مقامات عالی [برسیم]؟ آنها میگفتند آقا ذکر پیشکش! گناه نکنید. قدم اول این است و اگر این قدم تأمین شد، خیلی از مشکلات شما -مشکلات روحی، مشکلات معنوی و مشکلات مادی- برطرف خواهد شد.

همه در معرض گناهیم، همه در معرض لغزشیم؛ عرض کردم. مراقب باشید. اگر چنانچه این مراقبت را شما داشتید -این مراقبت از خود را که اسم این مراقبت از خود تقوا است. تقوا که در قرآن این همه تکرار شده، یعنی همین مراقبت کردن از خود که گناه نکنید، که خلاف نکنید- خدای متعال به شما کمک خواهد کرد، شما را محکم نگه میدارد. خود این مراقبت موجب جلب رحمت الهی است، موجب برکت دادن به زندگی است. زندگی انسان، عمر انسان، آفات انسان، ساعات انسان برکت پیدا میکند بر اثر تقوا. این اولین توصیه‌ی من است.» (۹۴/۹/۴)

«توصیه‌ی دوم بصیرت، بصیرت. این جمله‌ی امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) را من بارها در سخنرانی‌ها گفتم: الا ... وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَ الصَّبْرِ. (۷) اول اهل بصر، کسانی که دید درستی دارند، بصیرت دارند، صحنه را می‌فهمند.

بصیرت را روزبه‌روز باید زیاد کرد، صحنه‌ی داخلی را بشناسیم، بدانیم الان در داخل چه دارد می‌گذرد، کجاها است که انسان گاهی حضور دشمن را احساس میکند، کجاها است که میتواند انسان در آنجا با خاطر جمع، با دل آرام حرکت بکند. بصیرت؛ جایگاه خودمان را در دنیا بشناسیم؛ ما کجاییم امروز؟» (۹۴/۹/۴)

«إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» اگر از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد؛ (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛) (۲۹ انفال) فرقانی که در قرآن آمده است در واقع همان بصیرت است و این یعنی تقوا شرط محوری بصیرت است.

«بسیج برخاسته از متن مردم و نماینده‌ی مجموعه‌ی ملت است و بسیجیان آحاد مردمی هستند که با هدف والای الهی و با روحیه‌ی خستگی‌ناپذیر، در هر میدانی که لازم باشد، حضور پیدا می‌کنند و استعداد خود را بروز می‌دهند و از خطرات این راه نیز نمی‌هراسند.

بسیجی آن کسی است که برای این کار دشوار -یعنی بذل جان، حتی بذل آن چیزهایی که از جان گاهی عزیزتر است- آمادگی دارد؛ این معنای بسیج است. این از اختصاصات کشور ما است، این مخصوص انقلاب اسلامی، و مربوط به جمهوری اسلامی است.» (۹۴/۹/۴)

البته اگر بخواهیم یک معیار کلی را به دست بدهیم، باید بگوییم برای یک دانشجوی بسیجی مهم ترین چیز این است که تکلیف گرا باشد و در هر برهه و هر عرصه ای از انقلاب که لازم شد بسیجی وار ورود کند و وظیفه خود را ولو اندکی باشد انجام دهد؛ که البته این خود مستلزم بصیرت و تشخیص درست و به موقع است و بصیرت هم که مستلزم تقواست و تقوا مستلزم سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی اسلامی مستلزم مدیریت خواب و خوراک و زمان است.

به طور کلی سه وظیفه عمده را می توان برای یک بچه بسیجی در نظر گرفت که یک ارتباط معنادار با هم دارند:

1. حضور فعال در جبهه جنگ نرم
2. حضور در میان مردم به منظور روشنگری و تربیت انسان طراز انقلاب اسلامی
3. خودسازی فکری و معنوی

در ادامه این سه وظیفه را تحت یک زنجیره منطقی مطرح می کنیم.

1. حضور فعال در جبهه جنگ نرم

از دیرباز دنیا عرصه تقابل حق و باطل بوده است و در هر برهه ای از زمان ظهور و بروز جنود باطل و جنود عقل و تقابل آن دو با هم متناسب با شرایط آن زمان شیوه ای خاص داشته است. پس از انقلاب اسلامی ایران تقابل حق و باطل وارد فاز جدیدی شد.

قبل از انقلاب اسلامی جبهه حق هیچ پایگاه مشخص و واحدی نداشت و با بهتر بگوییم، هیچ کشوری و یا مجموعه متحدی جبهه حق را پرچمداری نمی کرد و تنها برخی از علمای شیعه به صورت محدود و مقطعی و در برخی جنبه ها در مقابل جبهه باطل اقدام می کردند.

پس از انقلاب اسلامی ایران با محوریت ولایت فقیه پرچمداری جبهه حق را بر عهده گرفت و به لطف خدا تا کنون توانسته است مرزهای جغرافیایی جبهه حق را گسترش دهد و جبهه باطل به سرکردگی آمریکا و صهیونیزم و منافع آن ها را در اقصی نقاط دنیا به خطر بیندازد.

تقابل جبهه باطل با انقلاب اسلامی در ابتدای امر یک تقابل سخت بود و آن ها از حربه جنگ و ترور و گروهک های تکفیری و... تا جایی که می توانستند استفاده کردند اما نتوانستند نظام اسلامی را به زانو درآورند و لاجرم تاکتیک خود را تغییر دادند و وارد عرصه جنگ نرم شدند. جنگی که به مراتب پیچیده تر، سخت تر و هزینه بر تر است.

یک تفاوت اساسی جنگ نرم با جنگ سخت در این است که در جنگ سخت اگر دشمن یک سرباز از شما را بزند تنها یک سرباز از شما را زده است، اما در جنگ سخت اگر دشمن

یک سرباز از شما را بزند نه تنها یک سرباز شما کم شده است، بلکه یک سرباز هم به دشمن اضافه می شود. در واقع جنگ نرم ذهن ها و عقده ها را هدف قرار داده است و دشمن تلاش می کند تا با مهندسی افکار مردم ما آن ها را به خدمت خود درآورد و هر کس در این جنگ توسط دشمن کشته شود (به این معنا که باور ها و عقایدش دگرگون شود و به غرب گرایش پیدا کند) پس از آن به یکی از عوامل خطرناک دشمن تبدیل می شود که در شرایط بهتر و آسان تری می تواند باور های سایرین را هم دچار دگرگونی کند.

بنابراین یکی از مهم ترین وظایف دانشجوی بسیجی این است که بصیرانه عرصه تقابل حق و باطل را بشناسد و تکلیف گرایانه و به موقع در آن عرصه حضور پیدا کند و جهادگونه به مبارزه با تهاجم نرم دشمن بپردازد. حضرت آقا در این باره می فرمایند:

«در کنار تحصیل علم و دانش، از فرصت جوانی برای تهذیب نفس و انس با خدا و آشنایی عمیق با معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السّلام) بهره ببرید. شما افسران جوان جنگ نرم هستید و عرصه‌ی جنگ نرم، بصیرتی عمارگونه و استقامتی مالک‌اشتروار میطلبد؛ با تمام وجود، خود را برای این عرصه آماده کنید. نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی آن را تحلیل کنید و برای رویارویی با آن، تمام ظرفیتهای خودتان را به کار بگیرید و در این مسیر به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشید». (۹۲/۱۱/۲۳)

حضور در جبهه جنگ نرم به عنوان یک افسر جوان الزاماتی دارد که در ادامه به آن ها خواهیم پرداخت.

2. اگر می خواهید در جنگ نرم پیروز شوید نیاز به انسان های طراز دارید

حضور در میان مردم و روشنگری

انقلاب اسلامی بدون پشتوانه مردمی بسیار تضعیف خواهد شد و ممکن است تا مرز نابودی پیش برود! در شرایط امروز انقلاب اسلامی مردم به شدت مورد یورش شبهات و ابهامات و شایعات دشمن و نفوذی های دشمن قرار گرفته اند و از طرفی شرایط دشوار اقتصادی، مشکلات زندگی و عملکرد ضعیف و بعضا خائنانه برخی مسئولین (مسائلی چون فیش های نجومی) هم مزید بر علت شده است تا مردم راحت تر و سریع تر از انقلاب اسلامی نا امید شوند و روز به روز از پشتوانه مردمی نظام کاسته شود.

از طرفی جوان های انقلابی بالاخص جوانان بسیج دانشجویی از لا به لای توده های مردم (چه دانشجویان و چه مردم عادی) خارج شده اند و سعی دارند تا در اتاق های در بسته و از طریق روش های غیر مستقیمی چون استفاده از فضای مجازی و رسانه های مکتوب بر مردم اثر گذار باشند.

این نکته مهم را بدانید که مهم ترین راه اثر گذاری بر دیگران حضور در میان توده مردم و گفتگوی دوستانه و صمیمی با آن هاست، آن هم حضور یک فرد مخلص و متقی که مردم اخلاص و تقوای او را در عمل دیده باشند.

بنابراین وظیفه یک دانشجوی بسیجی در ابتدا خودسازی فکری و معنوی و پس آن حضور در میان مردم و روشننگری نسبت به انقلاب و آرمان های آن، دشمنان خارجی و داخلی انقلاب و شبهات و ابهاماتی که در این زمینه ها وجود دارد است.

حضرت آقا در جمع شرکت کنندگان در سی و سومین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم از روشننگری به عنوان یک جهاد یاد می کنند و می فرمایند:

روزگار حساس و پیچیده‌ای که در آن قرار داریم، اهمیّت روشننگری را بیش از هر زمان دیگری یادآور می‌شود؛ در دوره کنونی، نقشه دشمن علیه انقلاب ملت ایران، «نفوذ» است؛ زیرا از اینکه بتواند به نظام اسلامی ضربه‌ی اساسی وارد کند نا امید است، چون میدانند در داخل به قدر کافی انگیزه و ایمان و صدق و آمادگی وجود دارد؛ اما ناامید نیستند از اینکه بتوانند نفوذ کنند... میخواهند دلها را تسخیر کنند، میخواهند ذهنها را تغییر بدهند و در مقابل این نقشه پیچیده و ابزارهای فراوان آن، وظیفه بزرگ تبیین، بر دوش همه‌ی غمخواران ملت ایران و غمخواران کشور است. (۱۳۹۵/۳/۳)

این روشننگری، نیز در واقع جهاد است. چراکه جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست؛ جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی، و جهاد مالی است. (۹۵/۲/۲۹)

تربیت انسان طراز انقلاب اسلامی

تربیت انسان طراز یک فرآیند بلند مدت است و لوازم و ملاحظات فراوانی دارد که سعی می شود به اختصار به برخی از مهمترین آن ها اشاره شود.

نخست باید اصطلاح انسان طراز انقلاب اسلامی را تعریف کنیم؛ انسان طراز انقلاب اسلامی انسانی است متقی، اخلاق مدار و انقلابی که فارق از موقعیت خانوادگی (با هر شرایطی)، اجتماعی (با هر موقعیت اجتماعی)، مادی (دارا یا ندار) و شغلی (کارمند، کارگر و ...) خود و متناسب با توانایی ها و استعدادهایش تکلیف گرایانه به ایفای نقش در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی می پردازد.

تقوی، تخلق به اخلاق اسلامی، تلاش برای خودسازی معنوی، اندیشه ورزی، توانایی انجام کارهای تشکیلاتی، انقلابی و جهادی، بصیرت سیاسی و حضور به موقع در موقعیت های حساس، قناعت و ساده زیستی، خانواده دوستی، اشتیاق خدمت به خلق الله و اشراف به ابعاد جبهه نبرد حق و باطل (چه سخت و چه نرم) از ویژگی های بارز انسان طراز انقلاب اسلامی هستند.

تربیت و آموزش دو همزادند که لازم و ملزوم یکدیگرند. تربیت درست وقتی صورت می گیرد که آموزش و اندیشه ورزی مقدم بر آن صورت گرفته باشد؛ البته مقدم بر این دو مسئله جذب است، چه اینکه اگر بسیج دانشجویی نتواند کسی را جذب کند هیچ علم و معرفت و استدلالی به کارش نخواهد آمد.

نگارنده که خود سال ها در بسیج دانشجویی فعالیت کرده است به ضرس قاطع عنوان می کند که مهمترین چیزی که می تواند یک انسان را جذب کند رفاقت صادقانه و گفتگو محور است.

اعضای بسیج دانشجویی باید با بهانه های مختلف (به خصوص برخی اقدامات خدماتی و تفریحی) زمینه رفاقت فرد به فرد را با دانشجویان فراهم کنند و به واسطه این رفاقت ها به صورت تدریجی و نرم ذهن آن را به مسائل مهم درگیر کنند.

متأسفانه امروزه استفاده از ابزارهای رسانه ای (نشریه، سایت، تلگرام و ...) و همچنین دایورت و وظیفه هدایت بر روی دوش سخنرانان و برنامه های عمومی (همایش، نمایشگاه و ...) بسیج دانشجویی اعضای بسیج دانشجویی را از لایه لای دانشجویان بیرون کشیده و در اتاق های در بسته جلسات به انزوا کشانده است.

بنابر این موکداً عرض می کنم که هیچ ابزار و برنامه ای جای ارتباط دوستانه و حضور فیزیکی در بین دانشجویان را نخواهد گرفت.

البته استفاده از این ابزارها هم لازم است به شرطی که مسخر انسان باشند نه این که انسان مسخر آن ها باشد.

پس از جذب مهمترین مسئله تربیت و آموزش است. دانشجویانی که جذب بسیج می شوند باید بلافاصله در زمینه های معرفتی و اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و ... تحت آموزش قرار بگیرند؛ همچنین در نظر داشته باشید که آموزشی موفق است که با مباحثه و اندیشه ورزی تثبیت شده باشد.

تربیت واقعی نیز وقتی صورت می گیرد که بسیج دانشجویی زمینه ای را فراهم کند تا دانشجویان مباحثی که آموزش دیده اند را در عمل به کار بگیرند؛ می توان گفت که برنامه ها و اقدامات تشکیلاتی بسیج دانشجویی بهترین زمینه است برای این که یک دانشجو خود را در دایره انقلاب اسلامی احساس کند و آموخته های خود را در این مسیر به کار بگیرد و برایش نهادینه شوند.

نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که هر نوع کار تشکیلاتی ای به صرف تشکیلاتی بودنش نمی تواند انسان ساز باشد؛ کار تشکیلاتی ای می تواند انسان ساز باشد که صرفاً برای رضای خدا انجام شود.

کار تشکیلاتی الزاماتی دارد که از جمله مهم ترین آن ها می توان به اخلاص کار، توکل به خدا در کل مراحل انجام کار، هدفمند و با برنامه بودن کار، پرهیز از کار خلاف قانون و شرع و

با کارهای خلاف اخلاق و منطق، تلاش و سخت کوشی، کار برای برنامه درست و سنجیده نه برنامه نابجا و بی اثر و ... اشاره کرد.

همچنین باید توجه داشت که برگزاری هر برنامه ای در دانشگاه دو هدف اصلی می تواند داشته باشد؛ یکی اثرگذاری بر عموم دانشجویان و دیگری تربیت عملی برگزار کنندگان برنامه؛ بنابر این اگر برنامه ای خوب اجرا نشود، مسئول حوزه باید توجه داشته باشد که تجربه ای که برای بچه های بسیج به دست آمده است ارزشمند تر است.

3. اگر می خواهید انسان طراز تربیت کنید، نیاز جدی به خودسازی دارید

خودسازی فکری و معنوی

مسئله مهم دیگر حاکمیت اخلاق، معنویت و روحیه انقلابی بر مجموعه بسیج دانشجویی است که می تواند هم عامل جذب باشد و هم عامل تربیت. در این زمینه وظیفه سنگینی بر دوش مسئول حوزه قرار دارد که می تواند نقش محوری در ایجاد فضای معنوی و اخلاقی و تقویت روحیه انقلابی داشته باشد، چرا که مسئول حوزه می تواند برای نیروهای خود در کسوت یک الگو ظاهر شود.

ایفای چنین نقشی توسط مسئول حوزه، مستلزم این است که وی به خودسازی فکری (مطالعه، به خصوص مطالعه بیانات حضرت آقا) و معنوی (اعمالی چون نماز اول وقت، نماز شب، نماز جماعت، قرائت روزانه قرآن، روزه مستحبی، قرائت روزانه زیارت عاشورا و جامعه کبیره بسیار سفارش شده است) اهتمام بورزد.

توکل عملی به خدا

مسئله بسیار مهم دیگری که متأسفانه در بسیج دانشجویی مورد غفلت قرار می گیرد مسئله توکل و اعتماد به وعده های الهی است.

متأسفانه اکثر بچه های بسیجی دچار شرک خفی هستند! معنای شرک خفی این است که شما خودت را و برنامه ریزی ات را و توان مدیریتی و اجرایی ات را مهم ترین عامل در حصول نتیجه بدانی و از اراده الهی غافل باشی.

متأسفانه مسئله توکل در بین اکثر حزب الهی ها در حد تئوری و در حد به زبان آوردن واژه "توکل بر خدا" باقی مانده است و در عمل خبری از توکل نیست. «وَمِنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲ طلاق) وَبَرِّزْ لَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (۳ طلاق) توکل عملی یعنی این که با اعتماد به این وعده الهی (آیات ۲ و ۳ طلاق) و با اعتماد به این وعده که «لَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (۴۰ حج)

تقوی پیشه کنید و بدانید که اگر تقوا پیشه کردید (چه در بعد فردی و چه در بعد جمعی) خدا در مشکلات راه را به شما نشان می دهد و از جایی که گمان نمی کردید به شما روزی می دهد (رزق مادی و معنوی).

بنابر این بسیج دانشجویی باید بداند که اگر می خواهد اثر گذار باشد و انسان طراز انقلاب اسلامی بسازد باید تقوا پیشه کند و ابتدا خود را بسازد. حضرت امام خمینی (ره) در این راستا می فرماید: «تا خود را نسازید، نمی توانید دیگران را بسازید و تا دیگران ساخته نشوند، جامعه ساخته نمی شود».

از نظر نگارنده مدل هسته های علمی مرکز جنبش نرم افزاری می تواند یک نقشه عملیاتی مطلوب در راستای تربیت انسان طراز انقلاب اسلامی باشد.

تقوا، رمز موفقیت مادی و معنوی

اگر بخواهید به قله های مادی و معنوی صعود کنید، بهتر است بدانید که همه چیز در تقوا خلاصه شده است. اگر کسی تقوا پیشه کرد و توانست به قله های معنوی صعود کند، یقین بدانید که به لحاظ مادی هم در اوج بی نیازی است.

آیات و روایات زیر همگی گواهی بر این نکته هستند:

«وَمِنَ بَیِّنَاتِ اللَّهِ يَجْعَلُ لَهٗ مَخْرَجًا وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (۲ و ۳ طلاق)

هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی پرای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است.

رسول اکرم (ص): «خداوند به دنیا وحی فرمود: هر کس به تو خدمت کند از او دوری می کنم و هر کس تو را دور بیندازد، او را در تحت حمایتم قرار می دهم».

امام علی (ع): «هرکس خدمت دنیا کند دنیا او را به خدمت خواهد کشید و کسی که خدای سبحان را خدمت نماید خدا در خدمت او خواهد بود». (غررالحکم صفحه ۷۱۲)

متأسفانه حزب الهی ها هم تحت تاثیر سبک زندگی مادی غربی که به واسطه رسانه، بخشی از آن را پذیرفته اند بین این دو تفکیک قائل می شوند و تقوا و توجه به رزاق حقیقی را رها کرده و سخت مشغول گردآوری روزی تضمین شده خود شده اند، در حالی که این تقوا است که ضامن روزی با برکت است و این گونه که ما در طلب دنیا می رویم دست آخر ممکن است به ما بگویند: خسر الدنيا و الآخره.

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (۶ هود)

و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر این که روزیش بر عهده خداست و او قرارگاه و محل مردنش را می‌داند. همه این‌ها در کتابی روشن ثبت است.

رسول اکرم (ص): «روزی بنده، سرسخت تر از اجلش در جستجوی اوست». (کنز العمال، ص ۵۰۷)

امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «هر زنده‌ای روزیش بر عهده خداست». (نهج البلاغه، خ طبه ۱۰۹)

البته هیچ کدام از این آیات و روایات به معنی نفی کار و تلاش نیست. همه این آیات و روایات برای این است که انسان خیالش از بابت روزی اش راحت باشد و همه فکر و ذکرش را معطوف آن نکند تا از یاد خدا غافل شود.

آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ «خداوند سرنوشت هیچ قومی [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند». (۱۱ رعد) و این روایت از امام حسن مجتبی (ع) که می‌فرماید: «برای دنیای خودت چنان عمل کن که گویا در دنیا تا ابد زندگی می‌کنی؛ و برای آخرت خودت چنان عمل کن که گویا همین فردا می‌میری» (مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۱۴۶). بر لزوم کار و تلاش تاکید دارند.

امام خمینی (ره) معتقدند: علی‌رغم آنکه آیات و روایات فراوانی بر ضمانت رزق انسان توسط خداوند تکیه دارند؛ روایات بسیاری نیز انسان را به کار و تلاش امر نموده‌اند؛ به گونه‌ای که اگر انسان به دنبال روزی خود نباشد، روزی او نخواهد رسید و دعایش مستجاب نخواهد شد.

بنابراین حساب امور مادی از امور معنوی جدا نیست و اگر کسی سعادت دنیا و آخرت را می‌خواهد باید این توصیه امیرالمومنین (ع): «أوصيكم بتقوى الله و نظم امرکم» (نهج البلاغه نامه ۴۷، ص ۹۷۷) را سرلوحه زندگی خود قرار دهد.

چگونه با تقوا باشیم؟

اما شاه کلید تقوا چیست؟ ممکن است برای شما هم سوال باشد که تقوا دقیقا چیست و چگونه می‌توان متقی بود؟ ممکن است شما مذهبی باشید، نمازتان را به وقت بخوانید، روزه‌تان را بگیرید، به خمس و زکات و بقیه واجبات پایبند باشید، پایه ثابت هیئت و مراسمات مذهبی باشید، اما اگر زمینه ارتکاب به گناه برای شما فراهم شود، بعید نباشد که پایتان بلغزد و گناه کنید؛ از گناهای چون دروغ و غیبت و تمسخر گرفته تا نگاه حرام و تزیین حق الناس و اختلاس بیت المال و ... اتفاقا مذهبی‌هایی که به چنین گناهای آلوده اند هم فراوانند.

علت این است که اعمال شما بی کیفیت است و قدرت بازدارندگی از گناه را به شما نمی‌دهند.

مهمترین توصیه اخلاقی آیت الله بهجت به کسانی که نسخه خاص اخلاقی می خواستند همیشه این بود که:

1. به آنچه می دانید عمل کنید (واجباتی را که می دانید عمل کنید و محرماتی را که می دانید ترک کنید)
2. و در آنچه نمی دانید احتیاط کنید و تا زمانی که به قطعیت نرسیده اید اقدامی نکنید.

بنابراین قدم اول در تقوا انجام واجبات و ترک محرّمات و احتیاط در نادانسته هاست. فرد متقی بدون حجت شرعی عمل نمی کند.

غفلت، مانع تقوا

اما یک مشکل هنوز وجود دارد و آن این است که در بیشتر افراد علم به واجبات و محرّمات وجود دارد اما یا عمل نمی شود و یا اگر عمل شود آن عملی بی کیفیت و بی اثر است.

لازمه عمل کردن توجه است و لازمه عمل باکیفیت اخلاص و خضوع و خشوع است. توجه یعنی این که انسان دائماً به حضورش در محضر خدا و تکالیفی که بر عهده اوست توجه داشته باشد.

امام خمینی (ره) می فرمایند: «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید». انسان باید دائماً تلاش کند که از طرفی از یاد خدا غافل نشود و از طرفی تکالیفش را لحظه به لحظه به خاطر داشته باشد و فراموش نکند.

عالم ماده به گونه ای است که به شدت برای نفس انسان جذب دارد و شیطان هم در قدم اول از همین مجرا وارد می شود و انسان را دعوت می کند به سرگرمی به جذب های دنیایی و در قدم بعدی انسان را از تکالیفش غافل می کند و در قدم بعد برای ارضای بیشتر نفس او را دعوت به گناه می کند.

سرگرمی به دنیا آنقدر غفلت آفرین است که امام سجاد (ع) حتی از نگاه کردن به دنیا به عنوان نشانه های الهی هم بیم دارد. امام سجاد (ع) می فرمایند: «خدایا به تو پناه می برم از اینکه توجهم به نشانه های خلقتت موجب غفلتم از یاد تو گردد».

برای غافل نشدن، فضای زندگیتان را مهندسی معنوی کنید

لازمه توجه هم این است که انسان زمینه توجه را برای خود فراهم کند؛ یعنی انسان زندگی خود را به گونه ای برنامه ریزی کند که آن زندگی خود به خود توجه بیشتر به خدا را موجب شود.

به عنوان مثال در طول یک هفته علاوه بر انجام واجباتی چون نماز، آن هم نماز با کیفیت

(مثلاً نمازی که در مسجد و با خضوع و خشوع و اول وقت و همراه با تعقیبات خوانده شود و تا جایی که امکان دارد نوافل قبل و بعد آن هم خوانده شود) نه نمازی که از وضو گرفتن تا جمع کردن سجاده اش به اندازه خوردن یک چای زمان نبرد، وقتی را هم برای خواندن قرآن (به قول حضرت آقا دست کم روزی یک صفحه)، ادعیه (یکی از دعاهای کمیل، توسل و ندبه به صورت هفته ای یک بار و عهد روزانه) و زیارات (قرائت روزانه زیارت عاشورا و فرازی از جامعه کبیره) بگذارد، آن هم با حضور در مسجد و هیئت.

یکی از مهمترین نکات برای خودسازی فضایی است که انسان در آن قرار می گیرد. کسی که می خواهد خود سازی کند باید با انجام واجبات با کیفیت و انجام اعمالی که ذکر شد فضای زندگی اش را جوری مهندسی کند که زمینه یاد خدای بیشتری برای خودش فراهم کند.

بسیار دشوار است که کسی به شدت درگیر مسائل مادی و کار و معاش خود شود و بدون اینکه زمینه توجه به خدا را برای خودش فراهم کرده باشد از خدا غافل نشود، مگر کسی که در خودسازی به مرتبه ای رسیده باشد.

متأسفانه تمدن مدرن امروز که جامعه ما هم به سرعت در حال فرو رفتن در گرداب آن است، تمدنی به شدت غفلت زاست.

در شهرهای این تمدن آنچه نماد دنیاست و موجب غفلت از یاد خدا و آخرت می شود (برج ها و مراکز خرید بزرگ و مجلل و مراکز تفریح و سرگرمی) به سرعت در حال رشد و گسترش است و آنچه نماد یاد خدا و آخرت است (مساجد و معابد و

قبرستان ها و مراکز فرهنگی) در حال گم شدن در لابه لای برج های بلند و رانده شدن به حاشیه شهر ها هستند. بنابر این در شرایط امروز زحمت شما دو چندان می شود.

اگر کسی بخواهد اعتراض کند که وقت کم می آوریم و نمی شود و از امرار معاشمان باز می مانیم، اولاً او را به متن فوق ارجاع می دهیم و ثانیاً او را به حضرت آقا (حفظه الله) که علی رغم آن همه مشغله ای که دارند در هر ماه سه بار قرآن را ختم می کنند و نوافل و نماز شبشان قضا نمی شود، ارجاع می دهیم.

از اعمالتان مراقبت کنید

پس از آنکه زمینه توجه فراهم شد و انسان واجبات را انجام داد و مجرمات را ترک کرد، قدم بعدی مراقبت از اعمال است. انسان باید مراقبت کند که عملش خالصانه، خاشعانه (حضور قلب و فروتنی باطنی) و خاضعانه (ادب و فروتنی ظاهری) باشد و این مراقبت باید یک دغدغه دائمی باشد.

نباید تصور کرد که خودسازی یک مرحله در زندگی است که می توان از آن عبور کرد. حتی آن کسی هم که به مراتب عرفانی رسیده است، اگر توجه نداشته باشد و مراقب اعمال خود نباشد ممکن است به خطا برود و یا دچار غفلت شود.

مراقب باشید شیطان شما را از مستحب خوب به مستحب ضعیف منتقل نکند!

نکته مهم دیگری که لازم است به آن اشاره شود این است که انسان باید توجه داشته باشد که همیشه این طور نیست که انسان بین خوب و بد و واجب و حرام مخیر باشد و اگر توانست خوب و واجب را انتخاب کند وظیفه اش را انجام داده است.

اتفاقا در بین حزب الهی ها شیطان امید زیادی به ارتکاب به گناهان کبیره ندارد (هرچند که باز هم در اولویت برنامه هایش است و تا جایی که بتواند آن ها را مبتلا می کند)، بلکه بیشتر بر روی مستحبات و واجبات ضعیف تر سرمایه گذاری می کند.

در واقع در جایی که شیطان از ارتکاب به گناه ناامید می شود، تلاش می کند تا انسان را از مستحبی به مستحب ضعیف تر منتقل کند؛ به عنوان مثال، فعالیت فرهنگی در فضای مجازی مستحب است و نماز شب هم مستحب؛ کسی که بخواهد نماز شب بخواند باید زود بخوابد (مثلا ساعت ۲۲)، از طرفی از ساعت ۲۲ تا حوالی ۲ صبح وقت مناسبی برای فعالیت در فضای مجازی به نظر می رسد، اما چون شیطان می داند که نماز شب و نماز صبح اول وقت و قرآن خواندن در بین الطلوعین زندگی شخص را متحول می کند و اثرگذاری او بر دیگران را بیشتر و عمیق تر می کند، فعالیت در فضای مجازی را در نظر او بسیار با اهمیت جلوه می دهد (با اهمیت هست اما نه در آن ساعت از شبانه روز) تا با این کار احتمال بیدار شدن و انجام به موقع عبادات او را کاهش دهد.

بنابراین مدیریت درست سبک زندگی و اهم و مهم کردن بین کارها هم یکی از لوازم مهم خودسازی است.

4. اگر می خواهید انسانی با تقوا باشید، سبک زندگیتان را درست کنید

خودسازی فکری و معنوی در حالت عادی به عزم و اراده انسان بستگی دارد و عزم و اراده رابطه مستقیمی با سبک زندگی دارد. چرا که سبک زندگی نادرست و غیر اسلامی به شدت انسان را تبیل و تن پرور می کند و تبلی و تن پروری هم یکی از بزرگترین مختل کننده های عزم و اراده انسان هستند.

بنابراین اگر بخواهید در زمینه خود سازی موفق باشید یقین بدانید که پیش از آن و ملازم با آن به یک سبک زندگی اسلامی احتیاج دارید.

در مدیریت سبک زندگی سه نکته محوری وجود دارد؛ اولین و مهمترین نکته نظم است؛ نکته دیگر مدیریت خواب و دیگری مدیریت خورد و خوراک. اسلامی بودن سبک زندگی به این معناست که الگوهای رفتار، کردار، پوشاک، خوراک، رفت آمد و معاشرت ها و به طور کلی الگوی عملی و نظری زندگی شما اسلامی باشد.

البته با توجه به این که زندگی امروز ما به شدت تحت تاثیر سبک زندگی مادی غرب قرار گرفته است و متأسفانه طی چند قرن اخیر زمینه ها و بسترهای لازم برای سبک زندگی اسلامی- ایرانی خودمان را از بین برده ایم و جامعه را به سمتی هدایت کرده ایم که تنها می تواند بستری برای سبک زندگی مادی غرب باشد، طراحی یک سبک زندگی اسلامی در چنین شرایطی بسیار دشوار به نظر می رسد، اما غیر ممکن نیست.

البته اسلامی شدن سبک زندگی جنبه های مختلفی دارد که برخی از جنبه های محوری آن وابستگی چندانی به شرایط جامعه ندارد.

از جمله گفتار، کردار و منش انسان ها که این ها را در هر شرایطی می توان باتوجه به آموزه های دینی ترمیم کرد، اما مولفه هایی چون خواب، خوراک، پوشاک، مسکن و... به شدت تحت تاثیر شرایط جامعه است که البته این ها را هم تا حد مطلوبی می توان مدیریت کرد. در ادامه به طور موجز به بررسی برخی از مولفه های اساسی در سبک زندگی خواهیم پرداخت.

5. اگر می خواهید سبک زندگیتان را درست کنید، خوابتان را مدیریت کنید

وجود نظم برای بر خورداری از سبک زندگی درست یک امر بدیهی است و نیازی به توضیح آن نیست. در رابطه با مدیریت خواب لازم است ابتدا به نکته ای اشاره شود تا ضرورت مدیریت خواب معلوم گردد. در روایات راجع به خواندن نماز شب و بیداری در بین الطلوعین

سفارش زیادی شده است. پیامبر(ص) در یکی از وصیّت های خویش خطاب به امیرالمؤمنین این چنین سفارش می کند که: «و علیک بصلاة اللیل، و علیک بصلاة اللیل، و علیک بصلاة اللیل»؛ یا در روایت دیگری امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «سه چیز است که افتخار مومن و زینت او در دنیا و آخرت است: نماز در آخر شب، و بی اعتنایی به آنچه در دست مردم است، و ولایت امام از اهل بیت پیامبر (ص)». همچنین در ذیل آیه ۴ سوره ذاریات که خداوند فرموده است: «فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا»، در روایات تفسیری آمده است: «فرشتگان در هنگام

بین طلوع فجر و طلوع خورشید، رزق و روزی بنی آدم را تقسیم می کنند و کسی که در آن زمان در خواب باشد رزقش را از دست می دهد. امام جواد (ع) می فرمایند: «روزی انسان ها تعیین شده و تقسیم شده است ولی خداوند دارای فضلی (زیادی) است که (در قرآن) فرمود: از خدا درخواست کنید فضلش را؛ سپس فرمود: ذکر خدا (و سؤال از فضلش) بعد از طلوع فجر، تأثیرش بیش از دوییدن در پی طلب رزق است». (تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱۱۹)

لازمه این که انسان بتواند برای نماز شب بیدار شود و بدون خواب آلودگی تا طلوع به عبادت بپردازد این است که خوابش را مدیریت کند و به موقع بخوابد. بهتر است بدانید که تاثیر خواب قبل از نیمه شب در رفع خستگی انسان بیشتر از خواب بعد از نیمه شب است. نقل است که شهید مطهری هر زمان وقت خوابشان می شد، حتی اگر مهمان داشتند به رختخواب می رفتند و می خوابیدند.

6. اگر می خواهید خوابتان را مدیریت کنید، لاجرم باید خوراکتان را مدیریت کنید

از طرفی مدیریت خورد و خوراک هم در سبک زندگی جایگاه خاصی دارد. اگر کسی بتواند خوراکش را تنظیم کند و به موقع و صحیح بخورد و بیاشمذ، علاوه بر حفظ سلامتی اش گام بلندی در مسیر خودسازی برداشته است.

بزرگان اخلاق توصیه می کنند که اگر می خواهید از فواید بی شمار نماز شب و بین الطلوعین بهره مند شوید، باید به موقع و سبک بخوابید و اگر بخواهید خوابتان سبک باشد و به راحتی بیدار شوید باید شامتان را چند ساعت قبل از خواب بخورید؛ همچنین توصیه می کنند که در روز به جای سه وعده، دو وعده غذا (صبحانه و عصرانه) بخورید. همچنین اگر کسی بتواند نفسش را به غذاها و خوراکی های متنوع و گران قیمت آلوده نکند بهتر است.

روزی که با نماز شب و نماز صبح اول وقت و قرآن بین الطلوعین آغاز شود، یقیناً برای مومن بسیار پرخیر و برکت خواهد بود و ارزاق معنوی و مادی را به سمت او روانه می کند.

7. اگر می خواهید خوراک و خوابتان را درست کنید، زمانتان را مدیریت کنید

در مدیریت زمان رایج به شما توصیه می شود که یادداشت برداری کنید، زمان های پرتان را کم کنید، برنامه ریزی داشته باشید، کارهایتان را اهم و مهم کنید، قدرت نه گفتن داشته باشید و توصیه هایی از این قبیل.

اما در مدیریت زمان اسلامی مسئله به گونه دیگری طرح می شود. در مدیریت اسلامی نکته محوری در واقع همان مطالبی است که در قسمت های فوق به آن ها اشاره شد و آن این است که اگر شما تقوا پیشه کردید و زندگی تان را برای رضای خدا مدیریت و برنامه ریزی کردید، آن گاه خداوند به واسطه تقوای شما علاوه بر این که به زمان شما برکت می دهد، بسیاری از مشکلات زمان بر را برای شما رفع خواهد کرد و یا آسان می کند و یا حتی بسیاری از مشکلات زمان بر دیگر برای شما به وجود نمی آید. شاهد این نکته هم آیات ۲ و ۳ سوره طلاق می باشد که در فوق به آن اشاره شد.

«وَمِنَ نِّعَمَاتِ اللَّهِ يَجْعَلُ لَكَ مَخْرَجًا وَيَرْزُقُكَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (۲ و ۳ طلاق)

هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

همچنین امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «وَصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ» (نهج البلاغه نامه ۴۷، ص ۹۷۷)

یعنی اگر این نکته محوری که همان تقواست محقق شد، آن گاه به دنبال نظم امورتان باشید. در واقع تقوا مقدم بر نظم دادن به امور است. برای نظم امورتان هم همان توصیه های رایج مدیریت زمان پیشنهاد می‌شود:

- همه کار هایتان را یادداشت کنید.
- برای انجام کار هایتان برنامه ریزی کنید.
- برای برنامه ریزی کار هایتان اهم و مهم کنید.
- خواب و غذایان را مدیریت کنید تا بتوانید پس از نماز صبح که مفید ترین ساعات روز برای انجام هر کاری است، نخوابید و زمان کافی برای انجام کار هایتان داشته باشید.
- قدرت نه گفتن را توصیه نمی‌کنیم، چون سختی چندانی با اخلاق اسلامی ندارد. در عوض تا جایی که می‌توانید دیگرانی را که با آن‌ها سر و کار دارید و وقت شما را می‌گیرند راضی کنید؛ آن‌ها را از برنامه خود آگاه کنید و اگر نمی‌توانید در آن لحظه برای آن‌ها وقتی اختصاص دهید، زمان دیگری را برای آن‌ها در برنامه تان خالی کنید و یا این که به سبک دیگری مشکل آن‌ها را بر طرف کنید.
- نکته آخر برای مدیریت زمان داشتن عزم و اراده قوی و تنبلی نکردن است. عزم اراده هم رابطه مستقیمی با تقوا و بصیرت دارد.

8. اگر خیر دنیا و آخرت را می‌خواهید، علاوه بر انجام مراحل فوق به این چند نکته هم توجه کنید

آفات خودسازی

در مسیر خودسازی چند آفت مهم هم وجود دارد که باید از آن‌ها اجتناب کرد. حضرت آقا برخی از مهمترین این آفت‌ها را به خوبی بیان کرده‌اند:

«من بسیج را خیلی مهم میدانم؛ بسیج را یک پدیده‌ی بسیار مهم، اثرگذار، با برکت و البته آینده‌دار [میدانم]، من معتقدم این تلاش‌هایی که می‌شود، کارهایی که می‌شود، تخریب‌هایی که انجام می‌گیرد، بسیج را سُست نمی‌کند؛ بسیج ان‌شاءالله روزبه‌زور ریشه‌دارتر خواهد شد. بسیج یک‌روز یک نهال باریک و نازکی بود؛ امروز یک درخت تناوری است و بیشتر از این و بهتر از این خواهد شد به فضل الهی، لکن مراقب باشید این درخت تنومند دچار آفت نشود.

اینجا من خطابم به شماها است؛ مراقب باشید. گاهی اوقات با اژه می‌آیند سراغ یک درخت، خب می‌شود جلوی اژه را گرفت؛ گاهی اوقات آفتی به درون درخت می‌خورد، این علاجش سخت‌تر است.» (۹۴/۹/۴)

غرور

«یکی از آفتها در بسیج، غرور است. ما که حالا بسیجی هستیم - به‌عنوان برگزیدگان، به‌عنوان گل سرسید، تعریف داریم دیگر؛ این‌همه تعریف کردیم - به دیگران به چشم تحقیر نگاه کنیم؛ این آفت است؛ این آفت است.

هرچه بزرگ‌تر میشوید، هرچه بالاتر میروید، تواضعتان بیشتر بشود؛ خشوعتان پیش خدای متعال بیشتر بشود.

شما نگاه کنید، من و شما هم استغفار میکنیم و گاهی میگوییم: استغفرالله ربّی و اتوب الیه؛ استغفار ما را نگاه کنید، استغفار امام سجّاد را [هم] نگاه کنید. ما هم دعا میخوانیم؛ تضرّع ما در دعاهايمان را نگاه کنید چه‌جوری است، تضرّع امیرالمؤمنین در آن مناجات یا تضرّع امام حسین در دعای عرفه یا تضرّع امام سجّاد در صحیفه‌ی سجّادیه را نگاه کنید؛ او کجا، ما کجا؛ اما او هزار برابر ما در تضرّع جدی‌تر است؛ در استغفار جدی‌تر است.

امیرالمؤمنین با آن عظمت، با آن مقام، با آن عبودیت، با آن تقوا، در دعای کمیل ترس از عذاب خدا را مطرح میکند! هرچه بالاتر میروید، خودتان را در مقابل خدا و در مقابل خلق خدا [کوچک‌تر ببینید]؛ در دعای مکارم‌الاخلاق به ما یاد داده‌اند که هرچه خودمان در چشم مردم بالاتر میرویم، در الا حَطَطْتَنی عند نفسی مثلها؛ (۶) هرچه مقاممان پیش مردم بالاتر می‌رود، در نفس خودمان به همان مقدار پایین‌تر برویم.

توجه کنیم به مسئولیت‌مان، توجه کنیم به کوتاهی‌هایمان، توجه کنیم به ضعف‌هایمان، به نقص‌هایمان؛ ماها کم که نقص نداریم، من خودم را میگویم.

خب، شما جوانها بهتر از ما هستید لکن همه نقص داریم؛ به نقص‌های خودمان بیشتر باید [توجه کنیم]. پس غرور یکی از آفتها است. مواظب باشید، به‌خاطر اینکه من بسیجی‌ام، من فدائی‌ام، من حاضرم جانم را بدهم، غرور شما را نگیرد.» (۹۴/۹/۴)

غفلت

« آفت دوّم غفلت است. یکی از چیزهایی که بر غرور مترتب میشود، همین غفلت است. وقتی انسان خیلی مغرور شد به قدرت خود، به توانایی‌های خود، به ارزشهای خود، کأنه خاطرش جمع میشود و دچار غفلت میشود. غفلت نکنید، دچار غفلت نشوید. همیشه نگاهتان باز، چشمتان باز، نگاهتان دقیق [باشد].» (۹۴/۹/۴)

زرق برق زندگی

«یک آفت دیگر - که حالا به همین مقدار اکتفا کنم - ورود در مسابقه‌ی زرق و برق زندگی است؛ یک مسابقه‌ای است دیگر: دنبال زرق و برق زندگی دویدن، دنبال وسایل تجملاتی بیشتر، دنبال زندگی بهتر، دنبال درآمد بیشتر.

دویدن یک مسابقه است، اهل دنیا در این مسابقه واردند؛ حالا بعضی‌ها زرنگ‌ترند در این مسابقه، میروند جلو تا میلیاردها بالا میکشند، بعضی‌ها به آن زرنگی نیستند. اما اهل دنیا در مسابقه‌اند، کسانی که دنیاپرستند.

در این مسابقه وارد نشوید. نگویید فلانی دارد، فلانی به دست آورده، من دستم خالی است، من هم باید داشته باشم؛ نه، این نه فقط از آفات بسیج، [که از] آفات هر مؤمن است. خیلی‌ها را ما دیدیم آدمهای خوبی بودند، آدمهای علاقه‌مندی بودند، وقتی افتادند توی دنیا و زرق و برق و مانند اینها، بواش بواش بواش تیزی‌ها کند شد، توانایی‌ها کم شد، انگیزه‌ها ضعیف شد. انگیزه که ضعیف شد، اراده‌ها هم ضعیف میشود.

اراده که ضعیف شد، در عمل خودش را نشان میدهد. [از دست] رفتند. آفتها این است.» (۹۴/۹/۴)

عُجب و ما ادراک مالعُجب!

آفت بسیار خطرناک دیگری که وجود دارد مسئله عجب است. عجب یعنی این که شما به واسطه اعمال عبادی که انجام می‌دهید، به واسطه اخلاصی که در انجام کارها دارید و به واسطه همه انجام وظایف و اقدامات جهادی تان برای خود در نزد خدا شان و منزلتی قائل شوید و از جایگاه یک بنده خوب و مخلص خدا به دیگران بنگرید.

پناه بر خدا از این خصلت خطرناک که بلای جان اکثر بسیجیان مخلص است و تشخیص آن بسیار دشوار است و شخص مبتلا به راحتی نمی‌تواند عجب خود را تشخیص دهد.

درمان عجب این است که همیشه و در همه حال خود را در نزد خدا حقیر بیندارید و گمان نبرید که اعمال شما همه خالصانه بوده و مورد پذیرش واقع شده‌اند و هیچ گاه خود را با دیگران مقایسه نکنید و خود را از آن‌ها مقرب‌تر ندانید و بدانید که این‌گونه هم هست، چرا

که بسیاری از اعمال ما به واسطه گناهان کوچک و بزرگ، به واسطه ضعف اخلاص و به واسطه همین عجب حبط می شود و ای بسا کسانی که ما خود را از آن ها برتر می پنداریم و آن ها از ما مقرب ترند.

کسانی هستند که به واسطه آن که کار های خالصانه شان را پنهانی انجام می دهند و ما نمی بینیم، درجه آن ها نزد خدا را از خود پایین تر می پنداریم، حال آن که خدا از حال همه ما بهتر خبر دارد.

اگر بسیجی خودسازی نکنند!

بهتر است بدانید که انقلاب اسلامی بیشترین ضربه را از مسئولین و افراد شاخصی خورده است که در جوانی خودسازی نکرده اند و دچار ضعف در تقوا هستند. همه شما جریانات، احزاب و چهره های شاخصی را می شناسید که در طول عمر ۳۷ ساله انقلاب به مرور زمان دچار انحراف شده و از مسیر انقلاب منشعب شدند؛ احزاب و افرادی که حتی برخی از آن ها به دامن دشمنان انقلاب اسلامی پناه بردند.

از منافقین و بنی صدر و بازرگان گرفته تا امثال مهاجرانی و گنجی و سروش و کدیور و کسانی که هرچند فرار نکرده اند ولی از داخل کشور به انقلاب و آرمان های انقلاب ضربه می زنند.

تقریباً همه این جریانات و افراد انسان هایی مذهبی بودند که در جوانی خودسازی نکرده بودند و دچار ضعف در تقوا و اخلاق و معنویات بودند (با شدت و ضعف هایی). هم اکنون هم عده زیادی از مسئولین کشور (چه اصول گرا و چه اصلاح طلب) هستند که به دلیل ضعف در خودسازی و تقوا و به تبع آن ضعف در بصیرت، کارهای ریز و درشتی را که خلاف مصلحت نظام است را انجام می دهند؛ حتی افرادی چون رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با آن همه سابقه انقلابیگری.

اگر شما بخواهید در آینده کسی باشید که همه فعالیت و اعمال و کردارتان در راستای رضای خدا و در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی باشد از دو حال خارج نیست؛ یا باید به خود سازی در تمام طول عمر خود اهتمام بورزید و یا اگر نمی توانید خودسازی کنید، خودتان را ملزم به اطاعت محض از ولی فقیه کنید؛ چرا که صرفاً انسان های متقی هستند که می توانند بصیرت داشته باشند و در فکر، گفتار و کردار مبتنی بر حق و حقیقت عمل کنند؛ پس شما یا باید خد متقی باشید و یا اگر نیستید باید از امام جامعه که نمونه کامل تقواست تبعیت کنید.

«إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می دهد؛ (روشن بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛) (۲۹ انفال)

حضرت آقا در دیدار نمایندگان مجلس در سال ۹۱ در خصوص اهمیت تقوای مسئولین می فرمایند:

«یک نکته‌ی اساسی در اینجا وجود دارد که همه‌ی ما باید به آن توجه کنیم - بنده بیشتر از شما به توجه به این نکته احتیاج دارم؛ همه‌ی شما هم به اقتضای مسئولیت، احتیاج دارید - و آن، احساس تکلیف است؛ اخلاص نیت و عمل برای خداست.

این اگر شد، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد، همه‌ی راه‌ها گشاده خواهد شد؛ این اگر شد، رحمت الهی و کمک الهی شامل حال خواهد شد؛ «ان تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (۱) - همین آیاتی که الان تلاوت کردند - این اگر شد، توهم غلط انهزام در مقابل دشمن و تسلط دشمن از بین خواهد رفت. توکل به خدا، ارتباط با خدا - که ناشی از این نیت خالص است - همه‌ی مشکلات را حل میکند.

انقلاب هم همین جور پیروز شد. اگر امام بزرگوار ما - که حقیقتاً رهبر به تمام معنی‌الکلمه بود - این توکل راه، این اخلاص را نداشت، قطعاً این انقلاب پیروز نمیشد. اگر مردمی که آمدند توی میدان، نخبگانی که مردم را کشاندند وسط میدان، این اخلاص راه، این کار برای خدا را نمیداشتند، کار پیش نمی‌رفت.

در دوران دفاع مقدس هم همین جور بود. فرمودند که عده‌ی زیادی از شماها در دوران دفاع مقدس بودید؛ خب، آنهایی که بودند، از نزدیک میدانند که چه بود و چگونه بود و چه خبر بود. راز اصلی این است: دنبال تکلیف باشیم، دنبال کسب رضای الهی باشیم.» ۲۴/۰۳/۱۳۹۱

البته ناگفته نماند که برای کسی که تقوا و اخلاص نداشته باشد، تبعیت از ولی فقیه یا بسیار دشوار است و یا اگر هم تبعیت کند، نمی‌تواند حرف او را درست درک کند و دچار برداشت‌های نادرست از گفته‌های او می‌شود؛ کما اینکه نمونه‌های این افراد را در بین مسئولین بسیار مشاهده می‌کنیم.

بنابراین بسیج دانشجویی در این زمینه باید بسیار حساس باشد. به هیچ وجه نباید بسیج دانشجویی زمینه بزرگ شدن چنین افراد خطرناکی را فراهم کند. افرادی که در زمینه تشکیلاتی قوی و در زمینه معنویات ضعیف هستند و برنامه‌ای هم برای خودسازی ندارند، برای آینده انقلاب بسیار خطرناکند، چرا که متأسفانه این افراد خیلی راحت دیده می‌شوند و مسئولین هم ترجیح می‌دهند چنین افرادی را به مسئولیت‌های مهم بگمارند؛ اتفاقاً مسئولیت داشتن در بسیج دانشجویی هم یک رزومه خیلی قوی برای آن‌ها به حساب می‌آید.

توصیه اکید می‌شود که حتی اگر دچار قحط الرجال هم شدید از رشد چنین افرادی جلوگیری کنید مگر آنکه محرز شود که توان اصلاح خود را دارند، که در این صورت هم به هیچ وجه نباید چنینی اشخاصی در مسئولیت‌های مهمی چون مسئولیت حوزه و پایگاه و کانون‌ها به کار گماشته شوند.

این توصیه جدی را هم همیشه مد نظر داشته باشید که در سپردن مسئولیت های مهم از بالا به پایین همیشه مخلص ترین و با تقوا ترین افراد را انتخاب کنید. منتظر هم ننماید تا یک انسان متقی پیدا شود، خودتان باید انسان متقی تربیت کنید.

کدام کار تشکیلاتی بهتر است؟

این روزها مجموعه های بسیج دانشجویی به شدت درگیر برگزاری برنامه هایی چون همایش، یادواره، اردوهای مختلف و... هستند؛ البته چنین برنامه هایی به شرط آن که به خوبی برگزار شوند، لازم است و اثر خودش را هم خواهد داشت، ولی همه این برنامه ها اجرایی هستند و بسیج دانشجویی در زمینه محتوایی و معرفتی اثرگذاری چندانی از خود ندارد و در بسیاری از برنامه ها نقش اصلی و اثر گذاری را بر دوش دیگران محول کرده است؛ مثلاً در یک همایش، بسیج دانشجویی صرفاً برگزار کننده است و این سخنران است که وظیفه اصلی را بر عهده دارد.

پیشنهاد این است بسیج دانشجویی به سمت تشکیل هسته های علمی در هر رشته حرکت کند. متأسفانه طی سال های گذشته بسیج دانشجویی به شدت سیاسی شده و بر فعالیت های سیاسی و فرهنگی متمرکز شده است و از فعالیت های علمی غفلت کرده است.

در حالی که اگر بسیج دانشجویی یک وجهه علمی داشته باشد، قطعاً در حوزه های سیاسی و فرهنگی اثرگذاری بیشتری خواهد داشت.

به عنوان مثال، دانشجویان و حتی مردم عادی حرف یک استاد دانشگاه را ولو اینکه حرف درستی نباشد، به راحتی می پذیرند، چرا که سطح درک و فهم و دانش او را بیشتر از خود می دانند؛ اما حرف یک دانشجوی عادی که به لحاظ درسی هم در سطح پایین تری از آن ها قرار دارد را به راحتی نمی پذیرند.

مطمئن باشید که اگر وجهه علمی بسیج دانشجویی قوی شود و اساتید و دانشجویان هم تاثیر آن را ببینند، حرف بسیج سایر زمینه ها راحت تر پذیرفته می شود، چرا که وجهه علمی یک اثر روانی سنگین بر روی مخاطب دارد.

علاوه بر این ها ریشه بخش عمده ای از مشکلات کشور عدم اسلامی بودن دولت است و عدم اسلامی بودن دولت هم به خاطر عدم اسلامی بودن دانشگاه ها و علوم انسانی است؛ چرا که این دانشگاه است که کارگزاران و علوم انسانی مورد نیاز دولت را تولید می کند و از آنجا نه دانشگاه و نه علوم انسانی هیچ کدام اسلامی نیستند و از این رو تا زمانی که دانشگاه و علوم انسانی اسلامی سازی نشوند ما نمی توانیم دولتمان را اسلامی کنیم.

از طرفی چون خود دانشگاه‌ها هم تحت مدیریت دولت هستند، نمی‌توان امید داشت که دانشگاه‌ها از توسط دولت اسلامی سازی شوند؛ بنابراین بسیج دانشجویی می‌تواند در زمین تحول در دانشگاه و علوم انسانی یک نقش محوری ایفا کند و به جرات می‌توان گفت تنها از طریق شکل‌گیری هسته‌های علمی است که این مهم محقق می‌شود.

برای روشن شدن اهمیت این پیشنهاد و میزان اثر گذاری آن با یک مثال مطلب را ادامه می‌دهم؛ مثلاً اعضای هسته علمی اقتصاد با راهنمایی استاد راهنمای خود در زمینه نقد اقتصاد غرب اقدام به مطالعه می‌کنند و جنبه‌های مختلف آن را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند؛ پس از آن این هسته می‌تواند با استفاده از ابزارها و روش‌های مختلف یک جریان نقد غرب را در رشته و گروه خود به راه بیندازند که هم اساتید و هم دانشجویان را به خود درگیر کند.

فرض کنید که استاد لیبرال درس اقتصاد کلان مجبور باشد هر جلسه بخش عمده‌ای از وقت کلاس را به پاسخ‌گویی به سوالات اعضای این هسته بگذراند و یا فرض کنید در یک کرسی آزاد اندیشی که مثلاً با موضوع نئولیبرالیسم برای دانشجویان این کلاس برگزار شده است، ۵ نفر از اعضای این هسته علمی که به صورت قوی در این زمینه مطالعه کرده‌اند بتوانند همه را به چالش بکشند و پاسخ همه شبهات و سوالات را بدهند. در این صورت است که بسیج دانشجویی می‌تواند فضای فکری دانشگاه را در دست بگیرد و به آن جهت بدهد و ذهن استاد و دانشجو را با گفتمان‌های خود درگیر کند.

اساسنامه این هسته‌ها را از مرکز جنبش نرم افزاری قرارگاه شهید باقری بخوانید.

امام خامنه ای (حفظه الله):

امروز اولویتهای بسیج چیست؟ در درجهی اول تقوا و طهارت؛ تقوا و طهارت. همهی کسانی که اهل معنا بودند - بزرگان اهل معنا - که ما گاهی خدمت بعضی از اینها رسیدیم، توصیتهایشان این بود که گناه نکنید. بعضیها میگویند آقا چه ذکرى را بخوانیم که مثلاً فرض کنید خیلی خوب باشد و به مقامات عالی [برسیم]؟ آنها میگفتند آقا ذکر پیشکش! گناه نکنید. قدم اول این است و اگر این قدم تأمین شود، خیلی از مشکلات شما - مشکلات روحی، مشکلات معنوی و مشکلات مادی - برطرف خواهد شد... توصیتهی دوم بصیرت، بصیرت. این جملهی امیرالمؤمنین (علیه الصلاه والسلام) را من بارها در سخنرانیها گفتم: **الَا ... وَ لَا یَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَ الصَّبْرِ.** (۷) اول اهل بصر، کسانی که دید درستی دارند، بصیرت دارند، صحنه را میفهمند... بسیج برخاسته از متن مردم و نمایندهی مجموعهی ملت است و بسیجیان آحاد مردمی هستند که با هدف والای الهی و باروحیهی خستگی ناپذیر، در هر میدانی که لازم باشد، حضور پیدا میکنند و استعداد خود را بروز میدهند و از خطرات این راه نیز نمیهراسند. بسیجی آن کسی است که برای این کار دشوار - یعنی بذل جان، حتی بذل آن چیزهایی که از جان گاهی عزیزتر است - آمادگی دارد؛ این معنای بسیج است. این از اختصاصات کشور ما است، این مخصوص انقلاب اسلامی، و مربوط به جمهوری اسلامی است. (۴/۹/۹۴)

اگر بخواهیم یک معیار کلی را به دست بدهیم، باید بگوییم برای یک دانشجوی بسیجی مهم ترین چیز این است که تکلیف گرا باشد و در هر برهه و هر عرصه ای از انقلاب که لازم شد بسیجی وار ورود کند و وظیفه خود را ولو اندکی باشد انجام دهد؛ که البته این خود مستلزم بصیرت و تشخیص درست و به موقع است و بصیرت هم که مستلزم تقواست و تقوا مستلزم سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی اسلامی مستلزم مدیریت خواب و خوراک و زمان است.

مرکز جنبش نرَم افزاری قرارگاه شهید باقری
سازمان بسیج دانشجویی

آدرس: تهران | خیابان طالقانی | تقاطع مفتح
سازمان بسیج دانشجویی | ساختمان شهید باقری

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۳۸۱۵۵۶

سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۰۶۵۰۰۰

نشانی اینترنتی: q-b.ir

رایانامه: info@q-b.ir

کانال تلگرام: Telegram.me/qb_ir

شماره تماس:

سامانه پیامکی:

نشانی اینترنتی:

رایانامه:

کانال تلگرام:



قرارگاه شهید باقری